

تلاش برای روسی کردن دریای خزر و پیرامونی سازی گیلان در دوره قاجاریه

گیلان از زمان اشغال ده ساله اش در دوره‌ی «پتر کبیر» و به ویژه بعد از حضور جدی و سلطه مطلق روسیه در نیمه‌ی شمالی کشور بعد از موافقت نامه‌ی «گلستان» و قرارداد «ترکمانچای» از ایستایی تاریخی خود خارج شد. روس‌ها که قصد نهایی شان ضمیمه کردن کامل این خطه از ایران به خاکشان بود، زمانی که در توازن قوا با دولت استعماری رقیبشان انگلستان، دریافتند امکان تصرف بیشتر از ایران را ندارند، برخلاف برخوردهای نظامی در قفقاز و اران، مجموعه اقدامات و سیاستهایی را در حوزه اقتصادی و با هدف پیرامونی سازی اقتصاد گیلان در پیش گرفتند. اما این حضور استعماری نمی توانست تنها در مناسبات اقتصادی منطقه محدود بماند و در ساختارهای سیاسی و اجتماعی آن تأثیری نگذارد.

مقدمه

با روی کار آمدن «پتر» و اراده او بر نوسازی و قدرتمند کردن روسیه، تلاش‌ها برای گسترش ارتباط بازرگانی و تجاری با کشورهای همسایه و در صورت امکان دست اندازی بر قلمرو آنها با هدف کنترل تجارت اروپا با شرق به صورت جدی در دستور کار روسها قرار گرفت. سفرای پتر که به بهانه بررسی زمینه های تجارت با امپراتوری صفوی به اصفهان آمدند، از نزدیک شاهد بلبشو و آناارشی کاملی در قلمرو تحت حاکمیت آنها شدند که می توانست فرصت مناسبی برای جامه عمل پوشاندن به هوس های پتر در گسترش قلمرو روسیه به سمت دریاهای آزاد باشد.

پژوهشگران استدلال می کنند هرچند روسیه همانند دیگر کشورهای اروپایی خصلتی امپریالیستی داشت اما برخلاف امپریالیسم اروپا که توسعه یافته و گسترده بود، روسها هنوز در ابتدای مسیر بودند. روسها که اساس صنعتی شدن و تمدن جدیدشان بر تقلید و اقتباس از همسایگان اروپایی قرار گرفته بود، در زمینه سیاست مستعمره سازی نیز تا اندازه زیادی از الگوی آنها پیروی کرده، تلاش کردند علاوه بر استفاده از توان نظامی و تهدید به جنگ، در حد امکان از مبادلات به ظاهر اقتصادی و تجاری، وسیله ای برای بسط نفوذ و حضور خود در مناطق تحت سیطره ساخته، آن مناطق را به دنباله ای از نظام اقتصادی و امنیتی مطلوب خود تبدیل کنند.

روسی سازی دریای خزر

از جمله آمال پتر کبیر در سیاست های توسعه طلبانه اش، تسلط مطلق بر دریای خزر و به عبارتی روسی سازی این دریا بود. وی احتمال می داد یکی از رودهایی که از سواحل جنوبی به این دریا می ریزد از کوههای هند سرچشمه گرفته باشد، از همین رو بخش مهمی از ماموریت سفیرش به دربار صفوی، کسب اطلاعات درباره اوضاع جغرافیایی و نظامی گیلان، پادگانها و قلعه های نظامی، سرچشمه و مصب رودها و بنادر دریای خزر و ... بود و سیاست توسعه طلبی ارضی و تلاش برای رسیدن به سواحل خلیج فارس، همواره توسط جانشینان او تعقیب شد.

بهانه جویی ها برای آغاز جنگی فراگیر با ایران نهایتا به بروز جنگ میان این دو همسایه در زمان «فتحعلی شاه قاجار» منجر گردید که شکست هایی تحقیرآمیز و تحمیل شرایطی سنگین بر ایران طی قراردادهای گلستان و ترکمنچای را در پی آورد؛ امتیازات وسیع نظامی، سیاسی، تجاری و حقوقی (کاپیتولاسیون) نصیب روسها کرد که با استفاده از آن، به سرعت سیاست پیرامونی سازی نواحی شمالی ایران آغاز شد

رشته امتیازاتی که طی سالهای ۱۸۶۳ م/۱۲۴۲ش تا ۱۹۱۴ م/۱۲۹۳ش به اتباع روس و انگلیس داده شد برآیندی از این رقابتهای استعماری در کنار ضعف و انفعال دولت مرکزی ایران بود. به عبارت دیگر سرزمینی که تا چندسال پیش تنها از نظر موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی برای انگلستان و روسیه اهمیت داشت، بعد از مدتی وارد مناسبات تجاری این کشورها شده به عنوان حلقه ای از نظام اقتصاد سرمایه داری آنها مورد توجه قرار گرفت.

روسیه اما تمایلی به کنار گذاشتن اهداف گذشته که برای قدرتمند شدن خود حیاتی می دانست نداشت، بنابراین تلاش کرد با راهبرد حفظ ظاهری استقلال و نظم داخلی ایران از راه مراقبت از نظم سیاسی موجود، این کشور را دولت وابسته و در حوزه نفوذ خود باقی نگهدارد. روسیه به ظاهر از فشار نظامی کاست و به وسایل مسالمت آمیز و رخنه اقتصادی همانند انگلیسی ها درصدد کسب امتیاز، نفوذ در نهادها و افزایش دادوستد با ایران برآمد.

انقلاب مشروطه و مجاهدت های بسیار صورت گرفته نیز نتوانست در اوضاع کشور، به ویژه پس از همدستی آشکار انگلیس و روسیه در مقابله با قدرت نوظهور آلمان، تغییر چندانی ایجاد کند. مخالفت با حضور کنسول روس که با اتکا به حضور ۲۵۰۰ قزاق مسلح در کلیه شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منطقه دخالت و از هیچ گونه اجحاف و زورگویی دریغ نداشت.

با اینحال و به رغم تمام سرمایه گذاری های صورت گرفته، نفرت عمومی گیلانیان از دولت متجاوز و اشغالگر روسیه به اندازه ای بود که سیر تحولات کاملا برخلاف خواسته روسها رقم خورد و آنها از سرمایه گذاری و تغییر دادن نظام اقتصادی این منطقه طرفی نبستند. گیلانیان علاوه بر نارضایتی از حضور توام با قلدری و خشونت کارگزاران و قزاقان روس، از آنجا که با تحولات مغرب زمین کما بیش آشنا و با انقلابیون قفقازی مراودات زیادی یافته بودند با شروع تظاهرات مشروطه

خواهی، به سرعت جذب رهبران انقلابی شدند و سلسله شورش هایی را علیه کارگزاران روس و حکام محلی دست نشانده آنها برپا کردند.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ سیزدهم، نشر نی، تهران
۲. آفاری، ژانت (۱۳۸۵) انقلاب مشروطه ایران، ترجمه: رضا رضایی، چاپ سوم، تهران: نشر بیستون
۳. اشرف، احمد (۱۳۵۹) موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، تهران: انتشارات زمینه
۴. انتنر. مروین (۱۳۶۹) روابط بازرگانی روس و ایران، ترجمه: احمد توکلی، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی
۵. دویچمن، موریس (۱۳۹۷) ایران و امپریالیسم روسیه تزاری: نمونه آرمانی هرج و مرج، ترجمه: روح الله اسلامی، ابوالفضل رضایی، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه
۶. فوران، جان (۱۳۹۰) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، چاپ یازدهم، خدمات فرهنگی رسا، تهران
۷. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۸) تاریخ روابط خارجی ایران، چاپ چهاردهم، تهران: امیرکبیر